



فقه اطلاعات و مساله حقوق بشر

پدیدآورنده (ها) : گرایلو، علی

علوم سیاسی :: مجله دانش امنیتی :: بهار و تابستان ۱۳۹۸، سال پنجم - شماره ۱۰ (ISC)

الصفحات : من ۷۷ إلى ۹۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1544569>

تاریخ دائلود : ۱۴۴۵/۰۴/۲۵

مركز أبحاث الكمبيوتر للعلوم الإسلامية (نور) لتقديم المجلات المعروضة في قاعدة البيانات ، الحصول على الإذن اللازم من أصحاب المجلات ، وبالتالي جميع الحقوق المادية الناشئة عن إدخال معلومات عن المقالات والمجلات والكتابات متاح في القاعدة ، ينتمى إلى "مركز الضوء". لذلك أى نشر وعرض لمقالات فى شكل نص وصور على ورق وما شابه ، أو يتطلب النموذج الرقوى الذى تم الحصول عليه من هذا الموقع الإذن اللازم من أصحاب المجلات ومركز أبحاث الكمبيوتر للعلوم الإسلامية (نور) ، وسيؤدى انتهاكها إلى اتخاذ إجراءات قانونية. لمزيد من المعلومات ، انتقل إلى [الشروط والأحكام](#) باستخدام قاعدة بيانات مجلة نور التخصصية يرجى الرجوع.



- واکاوی سب و لعن از دیدگاه مذاهب اسلامی
- کاربست عقل نظری در استنباط آموزه های کلامی با تکیه بر متون کلامی
- تاریخ فرهنگی و شما
- الشیخ الطوسی مجددا
- رهنمود سبز: راههای ارتقای معنویت از منظر مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا
- سازوکارهای فقه اسلامی در جهت تأمین امنیت اقتصادی
- مدل سیستم‌های مانا: الگویی میان‌رشته‌ای و کاربردی از سایبرنتیک در طراحی راهبردی سازمان‌های دولتی
- تحلیل مضمون عوامل مادی اقتدار ملی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و مبانی قرآنی آن
- معرفی مؤلفه‌ها و ابزارهای جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران
- حزب و تحزب در اندیشه اسلامی
- گزینه های انصارالله برای پیروزی در جنگ
- بررسی مفهوم و جایگاه امنیت و دفاع در اندیشه ی امام خمینی(ره)

عناوین مشابه

- تبیین حقوق بشر و هم‌گرایی مسلمانان از منظر فقه و حقوق اسلامی
- کالبد شناسی جریان آزادی اطلاعات در دولت الکترونیک و تاثیر آن بر امنیت ملی دولت ها از منظر حقوق بشر
- مبانی رویکرد حقوقی متن باز در اسناد بین المللی حقوق بشر و ارزیابی قابلیت استناد به آنها در فقه امامیه و حقوق ایران
- مبانی مسئولیت مدنی ناشی از آشکار کردن اطلاعات خصوصی (مطالعه تطبیقی حقوق امریکا، حقوق ایران، و فقه امامیه)
- فقه، زن و حقوق بشر (بخش اول) / گفت و گو
- نقدی بر کتاب فقه اسلامی و حقوق بشر
- دوره‌ای بودن انتخابات در حقوق بین الملل بشر، و مسئله توقیت در نهاد ولایت مطلقه فقیه در فقه امامیه
- راهکارهای تقریب دیدگاه فقه امامیه و نظام بین الملل حقوق بشر در مسئله تنبیه بدنی کودکان
- حقوق بشر دوستانه اسلامی: تحلیلی محتوایی و کارکردی آیات جهاد با تاکید بر فقه امامیه
- ظرفیت گسترده حقوق بشر امامیه برای حمایت از حقوق جنسی زوجه مطالعه تطبیقی فقه امامیه، حقوق ایران و انگلیس



فقه اطلاعات و مساله حقوق بشر

علی گرایلو^۱

چکیده

فقه، مسیر زندگی واقعی انسان را بر اساس مصالح، منافع واقعی و با اقتضای آفرینش ترسیم می‌کند و بر این اساس است که فقه نیاز به امنیت را همانند دیگر نیازهای ضروری بشر در نظر گرفته است. حقوق بشر نیز از دیرباز در متن فرهنگ و ادیان توحیدی ملحوظ شده است و در حوزه‌های مختلف دارای مصادیق متعددی است که در فقه سیاسی، فقه امنیتی، فقه اقتصادی، فقه اطلاعات و ... نیز از همین اصل پیروی می‌نماید. در این میان نگرش به حقوق بشر از منظر فقه اطلاعات، به معنای ریشه الهی قائل شدن برای آن است. چرا که قرائت دین مدارانه از حقوق، ضمانت اجرای محکمی را برای آن ایجاد می‌کند؛ بدین ترتیب در کنار ضمانت اجراهای دولتی، در نظر گرفتن پاداش و عقاب اخروی برای مراعات کنندگان و ناقضان حقوق بشر در عرصه فعالیت‌های اطلاعاتی و حفاظت اطلاعاتی پشتوانه خاصی را از لحاظ ضمانت اجرایی برای حقوق فراهم می‌آورد. مطالعه حقوق بشر از زوایه فقه اطلاعات، بررسی تجویزهای هنجاری و دستوری دین برای مأموران اطلاعاتی در انجام عملیات‌های اطلاعاتی و امنیتی در رویارویی با حقوق انسان‌ها است. در این راستا نگارنده تلاش می‌نماید ضمن پرداختن به وثیقه حقوق بشر از منظر فقه، نگاه هنجاری آن را در زمینه مصادیق حقوق بشر در حوزه فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی تبیین نماید.

واژگان کلیدی: فقه، فقه اطلاعات، حقوق بشر و کرامت ذاتی بشر.



بر اساس یک طبقه بندی کلی در دستگاه فقه شیعه، شریعت به چهار بخش عبادات، عقود، ایقاعات و احکام تقسیم می شود (لکزایی، ۱۳۹۳: ۱۸۹). به عبارت دیگر مسائل فقه گاهی به زندگی شخصی مربوط می شود مثل احکام عبادی، گاهی به زندگی عمومی و اجتماعی مثل عقود، ایقاعات و گاهی به احکام جایگاه سازمانی و اداری مربوط می شود (شمس الهی، ۱۳۹۲: ۴). بنابراین موضوع علم فقه، فعل مکلف است (محمد بن مکی، ۱۴۱۹: ۱۴۰). در این راستا چنانچه بخواهیم مساله حقوق بشر را از منظر دانش فقه اطلاعات مورد بررسی قرار دهیم، نیازمند شناسایی احکام فقهی این قسم از حقوق در روند اقدامات اطلاعاتی است. به بیان دیگر، در رویارویی و تقابل اقدامات اطلاعاتی و امنیتی با حقوق انسانها، هنجارهای شریعت به کدام سو جهت گیری می نماید.

حیات انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است و در ابعاد مذکور تکالیفی بر حسب مورد به صورت واجب، مستحب، مکروه، مباح و حرام بر او مستقر می شود که در جهت رشد و تکامل اوست. پس تمامی دستورات باری تعالی، در جهت تکامل انسان است. در مباحث فقهی این تکالیف به عنوان موضوع فقه تلقی می شود، زیرا احکام فقهی بر محور احوال مکلفین دور می زند و به اعمال و اقوال آنان برمی گردد (صدری، ۱۳۸۲: ۷). در این راستا بررسی مسائل مختلف در حوزه امنیت، بر اساس موضوعاتی از قبیل فقه انتظامی، فقه سیاسی، فقه اطلاعات و ... به عنوان یک ضرورت مطرح می شود که به نظر می رسد بررسی احکام حقوق بشر به عنوان مهمترین و بنیادیترین مساله همواره می بایست در فقه اطلاعات، مطرح نظر قرار گیرد.

پر واضح است حقوق بشر در حوزه های مختلف دارای مصادیق متعددی است که این حقوق در فقه سیاسی، فقه امنیتی، فقه اقتصادی، فقه اطلاعات و ... نیز از همین اصل پیروی می کند، پس در راستای شناسایی جایگاه حقوق بشر در فعالیت های اطلاعاتی و امنیتی، لازم است که احکام آن از منظر فقه اطلاعات مورد مذاقه قرار گیرد.

فقه، مسیر زندگی واقعی انسان را که بر اساس مصالح و منافع واقعی و با اقتضای آفرینش پایه گذاری شده است، ترسیم می کند و بر این اساس است که فقه نیاز به امنیت را همانند دیگر نیازهای ضروری بشر در نظر گرفته و در ابعاد و گوشه های وجود آن کارایی دارد (شریعت مدار جزایی، ۱۳۷۹: ۵). اهمیت فقه در آن است که اگر اسلام بخواهد در بعد اجتماعی ظهور و بروز پیدا کند، در قالب فقه تجلی می یابد و جامعه زمانی اسلامی خواهد بود که مکلفین اعمال خویش را بر اساس موازین فقهی انجام دهند و حکومت نیز بر آن اساس به اداره جامعه بپردازد (شمس الهی، ۱۳۹۲: ۳). در آموزه های فقه فراتر از شرایط ویژه مکانی و زمانی، معارفی وجود دارد که مبین قواعد عمومی و اصول کلی است که مشتمل بر مبانی



اعتقادی، اخلاقی و جنبه‌های مختلف شریعت است. به همین سبب است که حاکمیت موازین اسلامی بر کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها را در اصل چهارم قانون اساسی کشور توجیه می‌نماید.^۱

ابناء بشر، با استعداد‌های تنهایی و اجتماع‌پذیری در جوامع در کنار یکدیگر زیست می‌نمایند، این موارد، حق و تکلیف متقابلی را به همراه خود می‌آورد. که از یک سو، جامعه با وجود سیطره‌ای که دارد، ناگزیر از رعایت حرمت، استقلال و آزادی انسان‌ها است و از سوی دیگر، افراد در زندگی فردی یا جمعی خود، هم نباید متعرض حرمت فردی یکدیگر شوند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱). روند منطقی مذکور را می‌توان کاشف حقوق بشر به عنوان یک موهبت الهی و داده‌خدایی دانست.

واقعیت این است که اجتماع‌پذیری افراد، انسان‌ها را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و برای سامان دادن به ملازمه‌های ناشی از زندگی اجتماعی انسان و تعارض‌های فراوان منافع او در اجتماع، وجود دو نظام حقوقی (قوانین) و سیاسی (حکومت) اجتناب‌ناپذیر است. بدین ترتیب افراد در میانه میدان نظام‌های مذکور که پدید آورنده «حق و تکلیف» و «فرمان و اطاعت» است قرار می‌گیرند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲). با توضیحاتی که تاکنون در این پژوهش ارائه گردید؛ نگرش به حقوق بشر از منظر فقه و بویژه فقه اطلاعات، به معنای ریشه الهی قائل شدن برای آن است و قرائت دین‌مدارانه از حقوق، ضمانت اجرای محکمی را برای آن ایجاد می‌نماید؛ با این توضیح که در کنار ضمانت‌اجراهای دولتی، در نظر گرفتن پاداش و عقاب اخروی برای مراعات‌کنندگان و ناقضان حقوق بشر در عرصه فعالیت‌های اطلاعاتی و حفاظت اطلاعاتی پشتوانه خاصی را از لحاظ ضمانت‌اجرائی برای حقوق فراهم می‌آورد. در این رابطه فرض بر آن است چنانچه کارگزاران اطلاعاتی و امنیتی مساله حقوق بشر را بر اساس مبانی و پایه‌های فقهی آن درک و مراعات کنند، قواعد حقوق بشر در نظر آنان از اقتدار بسیار بالایی برخوردار بوده و این موضوع برای حوزه فقه اطلاعات که مسیر پویایی و بالندگی را می‌پیماید از ارزش بالایی برخوردار است. به دیگر سخن، ماموران اطلاعاتی و امنیتی با درک صحیح از مبانی فقهی حقوق بشر، به اجرای آن‌ها پایبندتر خواهند بود.

حقوق بشر با نظر به دامنه وسیع آن، از زوایای مختلف ارزشی، نظری، تاریخی، اجتماعی، هنجاری و حقوق داخلی و خارجی قابل بررسی و تحلیل است. در این مقاله با عنوان «فقه اطلاعات و مساله حقوق بشر» در نظر است، نگاه ابلاغی دین در رابطه با حقوق بشر را که قابل تعمیم به دامنه کنش‌های اطلاعاتی و امنیتی است به عنوان بخشی از فقه اطلاعات مورد کنکاش قرار گیرد اما پرسش‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که وثیقه حقوق بشر در فقه اطلاعات چیست؟ و همچنین نگاه

۱. اصل چهارم قانون اساسی اشعار می‌دارد: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.



هنجاری و دستوری دین در خصوص توجه به حقوق بشر در کنش‌های اطلاعاتی چیست؟ رسالت پژوهش حاضر، واکاوی و پاسخ به سوال‌های مذکور است که به روش اسنادی و کتابخانه‌ای از منابع موجود جمع‌آوری شده و در تحلیل داده‌ها از روش توصیفی-تحلیلی بهره‌برداری شده است.

۱- مفهوم شناسی فقه اطلاعات

۱-۱- فقه

فقه دارای تعاریف متعددی بوده و از "اطلاعات" نیز تعاریف گوناگونی ارائه شده است. در تبیین مفاهیم مذکور محدودیتی وجود ندارد. لیکن ترکیب این دو واژه "فقه اطلاعات" موضوعی است که به تازگی در ادبیات مربوط در حوزه امنیت و اطلاعات مطرح شده است پس لازم است مورد بحث و بررسی قرار گیرد. کلمه "فقه" در جای جای قرآن کریم، به معنای تدبیر، تعمق و فهم عمیق به کار رفته است (سوره ۶، آیه ۶۵ و ۹۸). همین مفهوم گسترده برای فقه، در روایات نیز به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه، پیامبر بزرگوار اسلام (ص) می‌فرماید: «خیر الناس اقروهم و افقههم فی دین الله: بهترین مردم کسانی هستند که قرآن بخت خوانند و در کار دین داناتر باشند» (غضنفری، ۱۳۸۶: ۳۰۱). و همچنین می‌فرماید: «من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین: هر کس که خداوند در حق او اراده خیر کند به وی فهم دین نصیب خواهد کرد» (ابن حیون، بی تا: ۸۱). و «لکل شیء عماد و عماد هذا الدین الفقه». به این معنا که؛ هر چیزی را ستونی هست و ستون این دین دانائی است (مجلسی، بی تا: ۲۱۶). بنابراین، فقه در لسان قرآن کریم و روایات اسلامی، مفهومی وسیع دارد که مشتمل بر شناخت عمیق نسبت به همه معارف دینی و دستوره‌های اسلامی در کلیه شئون انسانی در باب رفتار میان انسان‌ها، روابط انسان و حکومت و روابط حکومت‌ها است.

۱-۲- اطلاعات

اطلاعات اساساً مفهومی مبهم، نارسا و غیر دقیق است و از منظرهای گوناگون و به اعتبارهای متفاوت می‌تواند تعریف شود. اطلاعات لازم است نخست در زمینه‌ای فهمیده شود که در چارچوب آن عمل می‌کند. اطلاعات در طیف گسترده‌ای از زمینه‌ها عمل می‌کند؛ از قبیل امنیت ملی، امور پلیسی، امور تجاری. فهم این زمینه‌های متفاوت به خواننده در درک چگونگی کاربرد آن کمک می‌نماید (والش، ۱۳۹۴: ۵۵).

در یک نگرش عام اطلاعات را می‌توان به اعتبار سازمانی، فعالیت خاص و یا به اعتبار پیکره ویژه‌ای از دانش، معرفت و یا اخبار پرورش یافته تعریف نمود.^۱ از منظر سازمانی و تاریخی، مفهوم اطلاعات به مصداق‌های ساختاری - نهادی رجوع می‌دهد. آنچه با این برداشت به ذهن متبادر می‌گردد، سازمان‌ها و سرویس‌هایی اطلاعاتی و حفاظت اطلاعاتی هستند که با هدف کسب، پرورش و تولید

۱. نک: اکبری، مهدی (۱۳۹۵) پایان‌نامه رابطه احکام فقه اطلاعاتی با مصالح عامه، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب



اطلاعات تاسیس شده‌اند و اطلاعات در این سرویس‌ها عمدتاً برای پیشبرد امنیت کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از برابند تبیین‌های فوق، موضوع فقه اطلاعات که همان محدوده مباحث این علم است کشف می‌شود به این معنا که رفتارهای مورد اراده کارگزاران دستگاه‌های اطلاعاتی به عنوان موضوع فقه اطلاعاتی می‌بایست در قلمرو این رشته مورد بحث قرار گیرد. لذا وضعیت مطلوب مقوله فقه اطلاعات در اقدامات سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظت اطلاعاتی برگرفته از مبانی و اصول اعتقادی مکتب تشیع خواهد بود و بررسی مسائل این موضوع در راستای استقرار حکومت اسلامی مخصوصاً در فقه امامیه در راستای احیای منزلت و کرامت انسانی از اهمیت خاصی برخوردار است و در این صورت وجه تمایز سازمان اطلاعاتی در شریعت اسلام با سازمان‌های اطلاعاتی دنیا مشخص خواهد شد.

تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفاسد در فقه اسلامی یک قاعده مفروض و مسلم فقهی در استنباط احکام است. یعنی احکام خمس فقهی، مبتنی بر مصالح و مفاسد نهفته در موضوعات و احکام است که توسط فقیه و شارح قابل شناسایی است. بر مبنای این قاعده فقهی، حکم به وجوب، ناشی از وجود مصلحت ملزمه و حکم به تحریم، به علت وجود مفاسد ملزمه است. حکم به استحباب، کراهت و مباحیت نیز حاکی از وجود یا عدم وجود میزانی از مصلحت و مفاسد است.^۱ فقه اطلاعاتی با وجود نوپابودن^۲ به‌عنوان یکی از ابواب فقه هم از این قاعده کلی، مستثنی نیست. بنابراین، فقیه در توجه به مساله حقوق بشر و در فرایند اقدامات اطلاعاتی و امنیتی درصدد استنباط احکام شریعت از منابع فقهی و اجتهادی با عنایت به مصالح و مفاسد موجود در آنها است.

بنا بر آنچه که تاکنون تبیین شد، فقه اطلاعات، مشتمل بر قواعد و اصول فقهی بر اساس مبانی شریعت اسلام است که وظیفه انتظام بخشیدن روابط کارگزاران اطلاعاتی و امنیتی حکومت اسلامی را در قبال مردم (امت) و یا بیگانگان بر عهده دارد. به دیگر سخن، فقه اطلاعات را می‌توان شاخه‌ای از دانش فقه دانست که مشتمل بر دستورات دین در خصوص تنظیم روابط کارگزاران اطلاعاتی و امنیتی است. اگر چه در تقسیم‌بندی مرسوم در فقه، بخشی با عنوان فقه اطلاعات در نظر گرفته نشده و ابواب کتب فقهی که تحت عنوان "کتاب" از آنها یاد می‌شود در سه بخش عمده عبادات، معاملات و احکام خانگی شده است، مباحث اجتهادی و استنباطی در فقه امامیه هم به دلیل عدم استقرار حکومت اسلامی در جهت استنباط تکالیف فردی متمرکز شده است. لیکن لازم است در مباحث نظری فقه، تحولی بنیادین صورت پذیرد تا دیدگاه امام خمینی (ره) که فقه را نظری واقعی و کامل اداره انسان می‌داند محقق گردد.^۳

۱. نک: اکبری، مهدی (۱۳۹۵) پایان‌نامه رابطه احکام فقه اطلاعاتی با مصالح عامه، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب.

۲. فقه اطلاعات به عنوان رشته دانشگاهی یا حوزوی یا حداقل به عنوان درس خارج از فقه در حوزه مطرح نبوده و از نظر ادبیات به سطح و حجم جوابگو ارتقا نیافته است و در چند سال اخیر نیز در حدود همایش و ... مطرح شده است لذا از این حیث نوپا بوده و در مراحل اولیه انتظام بخشی قرار دارد.

۳. نک: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۸) صحیفه امام، جلد ۲۱، ناشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) ص ۲۸۸.



حقوق بشر به لحاظ تعریف و مفهوم، ماهیتی جهانشمول دارد؛ یعنی ادعای قابلیت اجرا در سطح جهان و نسبت به تمام افراد انسانی را داراست (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۸: ۵۵). و در همین راستا در سند حقوق بشر غرب صحبت از اعضای خانواده بشری به میان آمده است. لیکن در منابع فقه اسلامی محکمتر و وزین‌تر از این، عبارت "عیال‌اله" است که به جهت ارتباط بسیار عالی انسان‌ها با خداوند متعال، آنان را به عنوان دودمان و خانواده خداوندی معروف نموده است (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۴۵). این انتساب ناشی از کرامت ذاتی انسان است که مستند آن سخن پیامبر اسلام (ص) است که می‌فرماید: «الْحَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ، وَإِنَّ أَحَبَّهُمْ إِلَيْهِ أَنْفَعُهُمْ لِخَلْقِهِ» با این معنی که همه مردم خانواده خداوندی‌اند و محبوب‌ترین آنها نزد خداوند، سودمندترین آنان نسبت به اعضای خانواده خداوندی هستند (ابن حیون، بی‌تا: ۳۲۰).

امروزه حقوق بشر یکی از مفاهیم کلیدی حقوق بین‌الملل است که داعیه پایه‌گذاری آن به انقلاب فرانسه منسوب می‌شود. اما باید توجه داشت که فقه اسلامی در منابع مختلف اعم از آیات، روایات، سیره و سنت در اشکال گوناگون به ابعاد مختلف این مفهوم بنیادین و تبیین مبانی حقوق بشریت و مصادیق آن پرداخته است.

اهمیت و توجه به حقوق بشر در شریعت اسلام، تا حدی است که امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: خداوند سبحان حقوق مردم را پیش روی حقوق خود گردانید، پس هر که حقوق بندگان خدا را رعایت کند، این کار به رعایت کردن حقوق خدا بینجامد (محمدی‌شهری، ۱۳۸۹: ۱۶۳) بنابراین مسأله حقوق بشر و کرامت ذاتی بشریت به عنوان مبنای آن، قبل از آن که در مقدمه منشور حقوق بشر در نظام حقوق بین‌الملل اقتدار قانونی بیابد، در نظام حقوق اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. در حال حاضر حقوق هر کشور، مفهوم حق و چگونگی اجرای آن را معین می‌کند و مبنای حق نیز همان سلطه و اختیاری است که حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها می‌دهد (کاتوزیان، ۲۵۱: ۱۳۹۰). در این میان اصطلاح حقوق بشر، هم ماهیت و هم منبع آن را نشان می‌دهد. به این معنا که؛ حقوقی که هرکسی از آن حیث که انسان است از آن برخوردار است؛ همه انسان‌ها در آن سهیم‌اند، صرف نظر از حقوق و تکالیفی که یک فرد ممکن است به عنوان شهروند، عضو خانواده، کارگر، یا عضو سازمان یا انجمن خصوصی و عمومی داشته باشد، یا نداشته باشد (شریفی طراز کوهی، ۱۳۸۰: ۷۳) و به معنای قابل درک امروزی، فرایند تاریخی به شمار می‌رود که تاکنون با گذشت سه نسل مشخص و متمایز در اشکال حقوق فردی مدنی سیاسی (نسل اول)، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (نسل دوم) و حقوق همبستگی (نسل سوم) سیر تکاملی داشته است. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۶۳) اما با تدقیق نظر در حوزه فعالیت و وظایف دستگاه‌های اطلاعاتی و حفاظت اطلاعاتی مشخص می‌گردد

۱. قال الإمام علي عليه السلام: جعل الله سبحانه حقوق عباد مؤمنة لحقوقه، فمن قام بحقوق عباد الله كان ذلك مؤذياً إلى القيام بحقوق الله.



زمینه‌های موضوعی خاصی از حقوق بشر که داخل در نسل اول حقوق بشر است، گلوگاه تماس و مواجهه مأموران امنیتی و اطلاعاتی بوده و لازم است دیدگاه فقه اطلاعات در این زمینه تبیین گردد. به دیگر سخن، حوزه پیچیده اطلاعات و حفاظت اطلاعات، از قواعد فقهی و اصول شرعی در رویارویی با حقوق انسان‌ها بی بهره نبوده و مسائلی همچون، تجسس، بازجویی و انجام عملیات‌های اطلاعاتی مانند سایر امور بایستی در چارچوب احکام و دستورات شرع مقدس قرار گیرد.

امنیت در عرصه اجتماعی از بزرگترین نعمت‌های خداوند است که امروزه به عنوان حق بر امنیت به عنوان یکی از مولفه‌های حقوق بشر، مورد توجه دولت‌ها قرار می‌گیرد. در بیان اهمیت آن همین بس که رشد و تعالی بشریت در محیط امن محقق می‌گردد با وجود این، قدر و اهمیت این نعمت الهی ناشناخته است. در ارتباط با این قدرناشناسی، پیامبر خاتم می‌فرماید: «نعمتان مجهولتان؛ الأمان والعافیة» (فتال نیشابوری، ۱۳۸۱: ۴۷۱) دو نعمت‌اند که قدرشان ناشناخته است: امنیت و سلامت. نعمت امنیت در نتیجه امور و اقداماتی حاصل می‌شود که حساسترین و پیچیده‌ترین این امور در عرصه اطلاعات، توسط کارگزاران دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود و این افراد در مسیر برقراری امنیت، با حقوق افراد انسانی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم سروکار دارند که در این ارتباط توجه به حقوق بشر از جمله مفاهیمی است که ظرفیت‌های مثبت و منفی آن برای امنیت ملی یک کشور بیش از حد تصور می‌بایست مورد نظر قرار گیرد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۸: ۱۵) و زندگی شایسته بشر در جلوه‌های مختلف آن، مرهون شکوفایی و توجه به حقوق بشر با تکیه بر اصول مبنایی آن است.

در نگاه کلی، هدف از نسل اول حقوق بشر، توجه به افراد در مقابل قدرت حکومت است و در عرصه اقدامات و فعالیت‌های اطلاعاتی، مهمترین زمینه‌های موضوعی خاص آن که متضمن امنیت و آزادی بشر در مقابل قدرت حکومت بوده، در مصادیقی از قبیل اولویت دادن به کرامت ذاتی انسان، ممنوعیت آزار، اذیت و شکنجه متهم، منع بازداشت خودسرانه متهم، آزادی عقیده و بیان و ... مورد توجه قرار می‌گیرد که از یک رو، مستلزم عدم دخالت قدرت عمومی به ویژه نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در برخورداری مردم از این حقوق و آزادی‌ها بوده و تکلیف حکومت در پاسداری از آنها در برخورد با متجاوزان از دیگر رو مطرح می‌باشد و مطالعه حقوق بشر از زوایه فقه اطلاعات، بررسی تجویزهای هنجاری و دستوری دین برای مأموران اطلاعاتی در انجام عملیات‌های اطلاعاتی و امنیتی در رویارویی با حقوق انسان‌ها در مقام مظنون و متهم است که در مباحث آتی به آنها پرداخته می‌شود:

۱-۳- اولویت دادن به کرامت ذاتی انسان

شرافت و کرامت طبیعی انسان، کرامتی ذاتی است که خداوند همه انسان‌ها را از آن برخوردار نموده و انسان به واسطه انسان بودن، دارای کرامت، شرف، عزت و حرمت است (صداقت، ۱۸: ۱۳۸۹). از



دیدگاه قرآن کریم، انسان موجودی برگزیده از جانب خدا است که او را در آفرینش در مرتبه فراتر از سایر موجودات عالم قرار داده و از مواهب و توانایی‌هایی که او را از سایر مخلوقات ممتاز می‌سازد برخوردار نموده است؛ به گونه‌ای که اشرف مخلوقات خداوند قلمداد می‌شود.

خداوند بزرگ و بلندمرتبه در رابطه با کرامت ذاتی و مقام و ارزش انسان می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (سوره ۱۷ آیه ۷۰) یعنی؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم. این آیه با کمال صراحت اثبات می‌نماید که خداوند متعال فرزندان آدم را ذاتاً مورد تکریم قرار داده و آنان را بر مقداری فراوان، از کائنات برتری داده است و همین کرامت ذاتی، موجب به وجود آمدن حقوق و تکالیف خاصی برای انسان‌ها در مقابل یکدیگر شده است. اما روی دیگر کرامت انسان‌ها، حیثیت والای انسانی که از مراعات حقوق خویش و دیگران و انجام تکالیف و وظایف مستند به احساس عمیق وجدان انسانی که خداوند متعال به عنوان بزرگترین عامل ترقی و تکامل در نهاد انسان به ودیعه نهاده سرچشمه می‌گیرد (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۴۴) و از آن به عنوان کرامت ارزشی اکتسابی یاد می‌شود و ملاک امتیاز انسان‌ها در این قسم از کرامت، تقوا است که در قرآن کریم تصریح شده است (سوره ۴۹ آیه ۱۳). بنا بر آنچه که به صورت اجمالی در باب کرامت انسان از نظر گذشت، قرائت فقه شیعی از حقوق بشر، قرائتی است که پشتوانه آن را مقام خلافت الهی بشر پایه‌ریزی می‌نماید، با این توضیح که؛ مقام ذاتی خلافت الهی چیزی نیست که با ارتکاب افعالی چون خیانت، جنایت، فساد و خونریزی نفی گردد. این‌ها امور عارضی هستند که به مقام خلافت الهی انسان خللی نمی‌رسانند؛ زیرا هنگامی که خداوند با فرشتگان در خصوص گماردن خلیفه در زمین سخن می‌گوید: (سوره ۲ آیه ۳۰) «اذ قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه» فرشتگان به پرسش و اعتراض برخاسته می‌گویند: «اتجعل فیها من یفسد فیها و لیسفک الدما»؛ خداوند در پاسخ می‌فرماید: «انی اعلم ما لاتعلمون»، چنین پاسخی بیانگر این حقیقت است که مقام ذاتی جانشینی و خلافت الهی با افعالی از قبیل فساد و خونریزی نفی نمی‌گردد (قربانی، علی و موحدی، جعفر ۱۳۹۱ به نقل از رحیمی نژاد، ۱۳۸۷). در این راستا این موضوع با اهمیت قابل استنباط است؛ وقتی که فساد و خونریزی، مقام خلیفه الهی بشر را تضییع نمی‌نماید؛ در عرصه پیچیده عملیات‌های اطلاعاتی و امنیتی نیز همه شئون حیاتی چنین شخصی می‌بایست مراعات گردد.

لزوم توجه به کرامت نوع بشر از خصیصه بندگی آنان نسبت به خداوند و فرزندی آنان نسبت به آدم نشأت می‌گیرد. تعمیق و توسعه این نگرش به متهمان و مظنونان امنیتی، مستلزم ایجاد سازوکار و سامانی

۱. «یا ایُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْفَاكُمُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» ای مردم! بی تردید ما همه افراد نوع شما را از یک مرد وزن (آدم وحو) آفریدیم و شما را قبیله ای بزرگ و کوچک قرار دادیم تا همدیگر بشناسید مسلماً گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است.



نو در شیوه اقدامات دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و تدبیر امور مربوطه است که فراهم‌کننده یا مقتضی فضای جدیدی است که فقه ظرفیت لازم جهت تامین ساختار هنجاری و ارزشی، پشتوانه فکری و مبنایی آن را دارد. به این معنا که وثیقه و تضمین حقوق آحاد انسان‌ها در کنش‌های اطلاعاتی و امنیتی چیزی جز توجه به اعطایای خداوندی نیست. با این توضیح که، اصولی فراتر از اراده حکومت‌ها که ریشه عمیق در وجدان بشریت دارد و در زمره حقوق بنیادین آحاد بشر به حساب می‌آید لازمه حیات فردی و اجتماعی انسان است و همان‌طور که پیشتر نیز مورد اشاره قرار گرفت، آیات و روایات متعدد در شریعت اسلام موید این رویکرد است.

بنابر آنچه که از منظر خوانندگان محترم گذشت، چنان‌چه در سایه این رویکرد متعالی به دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی بنگریم، این موضوع حاصل می‌شود؛ کارگزاران اطلاعاتی به عنوان کنش‌گرانی فرض می‌شوند که در اقدامات و فعالیت‌های اطلاعاتی و اتخاذ تدابیر به ویژه در مواجهه با حقوق آحاد مردم، نه تنها صاحب اختیار نبوده بلکه مکلف نیز تلقی می‌شوند. در نتیجه این قرائت و مستند به ارزش‌ها و ملاحظات بشری، اصل توجه به کرامت ذاتی انسان‌ها در همه حال می‌بایست سرلوحه اقدامات و فعالیت‌های دستگاه‌های مذکور قرار گیرد.

با تدقیق نظر در آموزه‌های فقه در می‌یابیم که فقه اطلاعات توجه به کرامت ذاتی انسان‌ها را در جامعه اسلامی و ... اولین اولویت خود می‌داند و بر این اساس تمام جهد و تلاش خود را مصروف صیانت و احترام از کرامت ذاتی بشر نموده است. در اهمیت و جایگاه ویژه کرامت بشریت همین بس که نافرمانی فرشته مقرب درگاه خداوند، وی را به زمین هبوط داده است. بنابراین اهمیت موضوع می‌بایست همواره در روابط میان انسان‌ها مورد توجه قرار گیرد با این توضیح که؛ همه افراد انسانی باید این کرامت و شان و حیثیت را برای همدیگر به عنوان یک حق بشناسند و خود را در برابر آن حق مکلف ببینند (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۲۴).

با توجه به موضوعاتی که در باب اهمیت کرامت ذاتی انسان‌ها مطرح است، چنان‌چه انسان‌ها از منظر وحی خداوندی در نظر گرفته نشوند، (وقتی که به شکل تصویر خداوندی مجسم نشوند)، لاجرم حقوق بنیادی آنها می‌تواند کاملاً از علت وجودی متفاوتیکیشان جدا شود، از طرف دیگر مفهوم انسان‌ها در وحی خداوندی، تحقیقاً به زنان و مردان، ارزش و کرامتی موهبت کرده است که از آن اجزای یک سیستم حقوق بشر جامع و فراگیر بطور منطقی سرچشمه می‌گیرد (شریفی طراز کوهی، ۱۳۸۰: ۳۵). پس با توجه به نقش کارساز و تعیین‌کننده مبانی فقهی حقوق بشر در تکوین وجدان اخلاقی جامعه اطلاعاتی، اصول لازم رعایه شرعی وثیقه حقوق متهمان و مظنونان امنیتی قرار می‌گیرد. بر همین مبنا می‌بایست بر اساس اصول مذکور و با تاکید بر کرامت ذاتی انسان‌ها با آنان با عدالت رفتار نمایند. در تبیین اهمیت عدالت همین بس که خداوند متعال نیز رفتارهای خود را با مخلوقاتش بر مبنای آن قرار داده و هر گونه



ظلم را از ذات اقدس خویش نفی نموده است و در این رابطه می‌فرماید: "إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَ إِنَّ تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَ يُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا" (سوره ۴ آیه ۴۰): خداوند (حتی) به اندازه سنگینی ذره ای ستم نمی‌کند؛ و اگر کار نیکی باشد، آن را دو چندان می‌سازد؛ و از نزد خود، پاداش عظیمی (در برابر آن) می‌دهد. "بر همین اساس مقام خلیفه الهی انسان، اجرای صحیح و شایسته عدالت در کلیه شئون رفتاری وی را در مواجهه با هم نوعان خود توجیه می‌نماید. در این ارتباط این موضوع با اهمیت، قابل استنباط است؛ وقتی که مبنای رفتار پروردگار با بندگانش عدالت است، پس مقام خلیفه الهی انسان ایجاب می‌نماید؛ همواره عدالت مبنای رفتار وی با مردم باشد، لذا کارگزاران اطلاعاتی در انجام امور ویژه اطلاعاتی، عملیاتی و تحقیقاتی در خصوص اتهام انتسابی به شهروندان، می‌بایست مراقبت نمایند که مبادا به کرامت ذاتی سوزدهای آنها لطمه و خسارتی وارد گردد، یا احیاناً مورد ظلم و تعدی قرار گیرند.

۲- تجزیه تحلیل و یافته‌ها

۲-۱- ممنوعیت آزار، اذیت و شکنجه متهم:

ممنوعیت آزار و اذیت و شکنجه‌های روحی و روانی و به طور کلی هر عملی که نافی شئون و کرامت انسانی متهم باشد، ره‌آورد مقوله امنیت قضایی شهروندان است که امروزه به عنوان یکی از حقوق اساسی آنان تلقی می‌شود. از این رو، دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی کشور، به عنوان یکی از نهاد‌های مهم و اساسی موثر در "امنیت قضایی" بوده به طوری که اقدامات آنان در طول اقدامات دستگاه قضا قرار می‌گیرد و در این رویکرد، مردم بدون واژه از تعرض و تهاجم افراد یا حکومت‌ها می‌توانند به حیات مدنی خود ادامه دهند.

با اینکه مقصود از نسل اول حقوق بشر، توجه به افراد در مقابل قدرت حکومت است^۱، اما اصالت قائل شدن برای مصالح حکومت، در منظر بعضی از افراد، مبنای و محملی برای نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های فردی است. از این رو هنگامی که تعارضی میان منافع دولت با مصالح انسانی مانند احترام به حقوق و آزادی‌های فردی پیش می‌آید، از انکار حقوق افراد ابایی ندارند. مصداق این موضوع در امور امنیتی و اطلاعاتی زمانی حادث می‌شود که ماموران این حوزه دچار وهم "انجام وظیفه شرعی" بوده و با این احساس اقدامات مربوط را انجام می‌دهند. در این صورت ممکن است مبادرت به هرگونه اذیت یا آزار بدنی متهم در راستای اخذ اقرار از وی نمایند.

بدیهی است در اعداد دلایل اثبات جرم، اقرار از ادله بسیار محکم به شمار می‌رود؛ که باید کاملاً اختیاری و به دور از هرگونه اکراه و اجبار صورت گیرد. فقهای امامیه، اقرار ناشی از شکنجه، کتک و ترس را نافذ نمی‌دانند؛ (طوسی، بی تا: ۷۱۸) و مستند آنان، حدیث امام علی (ع) است که فرمودند: «من اقر عند

۱. مقصود از حقوق بشر نسل اول انواع آزادی‌هایی است که به عنوان حقوق مدنی و سیاسی در مفاد ۲ و ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی مورد تصریح قرار گرفته است. از قبیل: حق حیات، حق آزادی، حق امنیت، حق تسلط به عنوان برده قرار نگرفتن، حق عدم شکنجه و یا رفتارهای ظالمانه و خلاف شئون بشری، حق برخورداری از شخصیت انسانی، حق قرار گرفتن در حمایت قانون و ...



تجريد او حبس او تخويف او تهديد فلا حد عليه» (حسينی روحانی، بی تا: ۳۸۸) کسی که در حالت تجريد يا حبس يا ترسيدن يا تهديد اقرار به موضوع حدی کند، حدی بر او ثابت نمی شود. پس شکنجه افراد در هیچ اتهامی حتی حوزه های امنیتی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی) برای اخذ اقرار جایز نمی باشد. احترام به عزت و شخصیت افراد در محیط اجتماعی از علایم بارز رشد عمومی و یکی از ارکان اساسی سعادت و خوشبختی اجتماع است. این موضوع از درجه ای از اهمیت برخوردار است که خداوند در قرآن، عزت مومنین را در ردیف عزت خود و عزت پیغمبر گرامی خود به حساب آورده است: "و لله العزه و لرسوله و للمومنین" (سوره ۶۸ آیه ۸) و به افرادی که مردان و زنان مومن را آزار نموده و از این کار نادم و پشیمان نگردیده و توبه ننمایند عذاب سوزان جهنم را وعده داده است: "إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِمَّا لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَهُمْ فِيهَا فِي الحَرِيقِ" (سوره ۸۵ آیه ۱۰).

در کلام امیر المومنین علی (ع) در خطبه ۱۶۷ درخصوص تبیین ویژگی های مسلم و حرمت آزار و اذیت مسلمانان این چنین آمده است: ^۱ "مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر، از زبان و دست او آزاری نبینند، مگر آنجا که حق باشد، و آزار مسلمانان روا نیست جز در آن چه واجب باشد" و رسول اکرم (ص) می فرماید: "ان الله تعالى يعذب يوم القيامة الذين يعذبون الناس في الدنيا" «همانا خداوند بزرگ، روز قیامت کسانی را که مردم را در دنیا، عذاب داده اند، عذاب می کند» (میرزایی، ۱۳۸۵: ۴۰۰). بر این اساس، آزار و اذیت، شکنجه و تعرض به متهمان به مجرد انتساب اتهام به آنان ممنوع می باشد. پس افرادی که بدون توجه به نگاه هنجاری شریعت و در مقام ماموران دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی، حقوق مردم را تضییع نمایند و مرتکب اذیت و آزار متهمان و مظنونان شوند مشمول عذاب الهی در روز قیامت خواهند بود، چرا که ضابطان امنیتی، مرجع صالح برای تعیین کیفر و عذاب (آزارهای به حق و قانونی) نیستند و اصولاً آزار متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، آزار به حق تلقی نمی شود و از این حیث دستاویز و محملی برای ماموران اطلاعاتی در گزینش و اعمال چنین اقداماتی تلقی نمی گردد و اقدامات ایدایی آنها توجیه پذیر نیست.

نتیجه آنکه ماموران بازجویی دستگاه های اطلاعاتی در مسیر کشف حقایق و واقعیت های مربوط به پرونده های امنیتی نباید به شیوه هایی متوسل شوند که متضمن سخت گیری بر متهمان باشد؛ زیرا در احادیث و روایات، سخت گیری بر بندگان خداوند، هم ردیف شرک به خداوند و در نزد پروردگار مغبوض ترین اعمال است ^۲ (مجلسی، بی تا: ۵۴) و از یک سو عزت مندی مومنان در گروهی عدم اذیت و آزار مردم می باشد ^۳ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۶) و از سوی دیگر، مدارا کردن با مردم از اهمیت ویژه ای برخوردار

۱. «فالمسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده الا بالحق ولا يحل اذى المسلم الا بما يجب»

۲. قال رسول الله (ص): ما من عتلي احب الي الله تعالى و الي رسوله من الإيمان بالله و الرقي بعباده، و ما من عتلي اغضن إلى الله تعالى من الأشرار بالله تعالى و العتف على عباده

۳. قال ابي عبدالله عليه السلام: «شرف المومن صلاته بالليل وعزه كف الاذى عن الناس»



است، به گونه‌ای که پیامبران الهی به این امر (مدارا کردن) مامور شده‌اند^۱ (کلینی، بی‌تا: ۳۰۴). وقتی در احادیث و روایات، به مدارا، آسان‌گیری با مردم، این همه توصیه شده و حرمت و قداست انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است، نباید توصیه احادیث و روایات را تنها مربوط به رفتارها و امور شخصی بدانیم، بلکه بر مناسبات عمومی و روابط دستگاه‌های حکومتی با مردم نیز حاکم است. از این رو توصیه‌های گفته شده می‌بایست در کانون توجه کارگزاران امور اطلاعاتی کشور قرار گیرد تا با اتهامات متقن یا واهی، افراد را مورد آزار و شکنجه قرار ندهند.

۲-۲- منع بازداشت خودسرانه متهم:

آزادی انسان یکی از متعالی‌ترین حقوق وی بوده و هیچ‌کس اجازه سلب این آزادی را ندارد و با توجه به اهمیت این شق از حقوق مردم، اصل سی و دوم قانون اساسی به آزادی رفت و آمد پرداخته و ممنوعیت بازداشت و دستگیری شهروندان را مورد توجه قرار داده و ضابطین دادگستری را مخاطب خود قرار داده و تصریح می‌نماید:

«هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر می‌کند و در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود».

علاوه بر آن، بند (۵) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی اشعار می‌دارد: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضائی ارسال می‌شود».

در فقه اسلامی، اصل نامشروع بودن قرار بازداشت متهم امری روشن است؛ زیرا در اسلام حکمی که موجب سلب آزادی افراد بدون دلیل شود، تشریح نشده (براری لاریمی و قبولی درفشان، ۱۳۸۹: ۳۳) در این میان، قاعده کلی «ضابطُ الحبسِ تَوْفُّهُ اسْتِخْرَاجُ الْحَقِّ عَلَيْهِ» نسبت به موارد جواز حبس (اعم از بازداشت و غیر آن) وارد شده است (محمدبن مکی شهید اول، بی‌تا: ۱۹۲) و بنا به روایاتی، پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) در موارد محدود به این عمل اقدام کرده‌اند اما، امروزه مصالح و منافع ملی و حفظ ثبات و صلح و آرامش و الزام قوانین آمره، سلب موقت آزادی بعضی از افراد را اجتناب ناپذیر می‌نماید. امام علی (ع) در پی شکایت یک جوان به قاضی شریح در پی اتهام به دو مرد برای کشتن پدرش در حین سفر، دستور تحت نظر بودن آن دو نفر (پشت ستون مسجد و به صورت جداگانه) را صادر می‌کند؛ این درحالی است که امام (ع) در این مسأله به حکم حضرت داود در مورد مشابه اشاره

۱. قال رسول الله (ص): «أنا أمرنا معاشر الأنبياء بمدارة الناس، كما أمرنا بإقامة القرائض»



می‌کند که حضرت داود در عین علم به ارتکاب جرم توسط متهم، او را بازداشت کرد؛ امام علی (ع) نیز برای احقاق حق اولیای دم، با بازجویی از آنها و با استفاده از یک ترفند کاملاً حکیمانه (ذکر تکبیر و به دنبال آن نیز مردم اله اکبر سر دادند) موجب اعتراف آن دو به قتل پدر آن جوان شاکس شدند (رضوانی، ۱۶۷: ۱۳۹۲-۱۶۸). در این روایت امام (ع) در مقام استنطاق و قضاوت، با اعمال شرایط عادی مبادرت به بازداشت و نگهداری متهمان می‌نماید و بدون آزار و شکنجه آنها موفق به اخذ اقرار در رابطه با انجام قتل توسط آن دو می‌شود.

نعمان بن محمد ابن حیون در کتاب دعائم الاسلام به نقل از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل می‌کند: «در هیچ اتهامی، به جز اتهام قتل متهم زندانی نمی‌شود؛ زیرا زندانی کردن فرد متهم پس از آشکار شدن حق ستم و ظلم است»^۱ (ابن حیون، بی تا: ۵۳۹). در رابطه با بازداشت متهم به قتل، پنج قول وارد شده است که مهم‌ترین آن منسوب به شیخ در نهایت می‌باشد که بازداشت شش روزه متهم به قتل را تصریح نموده و استنادیه وی نیز حدیثی از پیامبر اکرم (ص) است که سکونی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که امام فرمود: پیامبر (ص) متهم به قتل را شش روز زندانی می‌کرد، اگر اولیای دم با بینه قاتل بودن او را اثبات می‌کردند حکم جاری می‌شد و در غیر این صورت متهم را آزاد می‌کرد. شهید اول در قاعده ۲۱۷ در مقام بیان موارد حبس متهم، یکی از موارد جواز حبس را تهمت قتل بیان می‌کند و مدت آن را نیز شش روز عنوان کرده است (والمتهم بالدم، سته ایام) (کلینی، ۳۷۰: ۱۳۶۲)^۲.

در بررسی قواعد فقهی و مرتبط با این مبحث پژوهش حاضر، قاعده فقهی "غلبه" قابل ذکر است؛ «الظن يلحق الشيء بالاعم الغلب» بر اساس قاعده مذکور، در روابط میان انسان‌ها باید به امور غالب توجه داشت و نه به امور نادر؛ زیرا چنانچه اصل بر امور غالب قرار نگیرد، در روابط میان مردم اختلال ایجاد می‌شود بر اساس این قاعده اصل برائت حاصل می‌شود؛ زیرا در روابط عادی بین شهروندان، هیچ یک از افراد مجرم شناخته نمی‌شوند مگر اینکه جرم آنها در دادگاه ثابت گردد و عدم پذیرش اصل برائت یا نادیده گرفتن آن، منجر به طرح ادعاهای واهی در روابط بین افراد می‌شود در حالی که پرداختن به موضوعات، پیش از آشکار شدن و اعیان شدن آنها منجر به فساد و تباهی می‌گردد^۳ (ابن شعبه، ۱۳۶۲: ۴۵۷) و نباید بر اساس قرائن ضعیف، حق آزادی افراد به صورت خودسرانه محدود گردد.

امروزه مصالح و منافع ملی، حفظ ثبات، صلح و آرامش صدور قرار بازداشت موقت را در جرائم خاص و در صورتی که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم وجود داشته باشد با مراعات شرایطی مطابق موازین دادرسی کیفری و به عنوان یک امر ناگزیر مورد توجه مراجع تقنینی مختلف قرار گرفته است

۱. و عن علی ع انه قال: لا حبس فی تهمه الا فی دم و الحبس بعد معرفه الحق ظلم.

۲. علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوفلي عن السكوني عن ابي عبد الله ع قال: ان النبي ص كان يحبس في تهمه الدم سنة ايام فلان جاء اولياء المقتول ببينة و الا تخلى سبيله.

۳. قال امام جواد (ع): اظهاژ الشئ ع قبل ان يستحكم ففسده لهُ.



که در این راستا و بر اساس الزامات نظام کیفری ایران، ماموران سازمان های اطلاعاتی در مقام ضابط امنیت مجوز صدور قرار بازداشت موقت را ندارند و صرفاً در جرایم مشهود و آن هم در صورت ضرورت، می توانند متهم را حداکثر به مدت بیست و چهار ساعت تحت نظر نگاهداری نمایند.^۲

مستفاد از قاعده فقهی اخیرالدکر، دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی با طرح اتهام های امنیتی و غیرامنیتی بر علیه یک فرد یا افراد متعدد، در جریان رسیدگی قضائی در مقام مدعی قرار می گیرند و چنانچه نتوانند دلایل کافی برای اثبات ادعای خود اقامه نمایند و برای قاضی نسبت به اتهام متهم یا متهمان پرونده شک حاصل شود با استناد به اصل براءت، متهمان پرونده، تبرئه خواهند شد. پس در امور اطلاعاتی باید از یک سو نهایت دقت و حساسیت صورت پذیرد و کرامت ذاتی انسان ها ملاک نظر باشد و از سوی دیگر به نام تامین امنیت، حقوق و آزادی های مشروع مردم تضییع نشود.

بدیهی است سخت گیری در سلب آزادی افراد (صدور قرار بازداشت موقت متهم)^۳ در متون مرتبط فقهی که در بالا ذکر شد و قوانین و مقررات کیفری به منظور حفظ حقوق اساسی مردم، اجرای عدالت و جلوگیری از وقوع توالی فاسد صورت می گیرد؛ زیرا با بازداشت غیرقانونی، متهم از اساسی ترین حقوق خود که آزادی است، محروم می شود. هم چنین این امر می تواند موجبات هتک حرمت و خدشه به حیثیت متهم و خانواده او را فراهم نماید (مصدق، ۱۳۹۳: ۲۸۹). در مجرای تضمین این حقوق، ارتقای دانش قضایی ضابطان امنیتی در زمینه انصراف آنان از اقدامات غیر قانونی و غیر شرعی بسیار مهم ارزیابی می شود.

۲-۳- احترام به آزادی عقیده و بیان:

آزادی بشر یکی از حقوقی است که زمینه ساز شکوفایی استعداد های بالقوه و توانایی های خدادادی اوست که در انواع مختلفی همچون آزادی اندیشه و بیان، آزادی تن، آزادی مال متجلی می شود که نوع کامل و مطلوب آن نیز، آزادی توأم با مسوولیت در برابر خداوند است، پس لازم است آزادی های فردی و عمومی انسان ها مصون از تعرض باشد. به طوری که تحدید آن تنها باید به قدر ضرورت و به موجب قانون صورت گیرد.

امروزه آزادی عقیده و بیان بصورت گسترده ای یکی از حقوق بشر تلقی می شود؛ بدین معنی که انسان بما هو انسان حق آزادی بیان دارد و از جمله مصادیقی است که همواره به عنوان حربه ای در نظام حقوق

۱. ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشعار می دارد: «ضابطان دادگستری اختیار آخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضائی نیز نمی توانند آخذ تأمین را به آنان محول کنند. در هر صورت هرگاه آخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضائی طبق مقررات این قانون اقدام می شود».

۲. ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشعار می دارد: «ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، میتواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی توانند متهم را تحت نظر نگاهدارند. چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمیتوانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند».

۳. مستفاد از ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ صدور قرار بازداشت موقت متهم در جرایم خاص مورد اشاره در ماده قانونی مذکور در صورتی امکان پذیر است که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت نماید.



بین‌الملل ذیل ملاحظات حقوق بشری مورد توجه و تاکید قرار می‌گیرد و ظرفیت‌های مثبت و منفی آن برای امنیت عمومی و ملی یک کشور باید در کانون توجه قرار گیرد.

آزادی عقیده از لحاظ مفهوم شناسی عبارت از این است که افراد بتوانند، به انتخاب خود در هر زمینه‌ای اشتغال ذهنی داشته باشند، خواه این اشتغال امری باطنی و درونی و خواه به صورت موضع‌گیری عمومی باشد؛ یعنی هر کس بتواند به دور از هر تحمیل و فشاری و بدون ترس باور خود را بیان نماید (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۲۱). عقیده، اساس و جوهر فکر است و این فکر در هر حوزه‌ای که باشد، آزادی مزبور نیز به همان نام نامیده می‌شود. چنانچه فکر در مورد اخلاق و یا مذهب باشد، آن را آزادی وجدان و یا مذهب می‌نامند و چنانچه راجع به سیاست باشد، آن را آزادی سیاسی می‌گویند (سعیدی و مهدی پور، ۱۳۹۲: ۵۱). آزادی عقیده همانند سایر حقوق انسان‌ها از قبیل امنیت شخصی، مصونیت مسکن، منع تفتیش و تجسس در زندگی خصوصی افراد، احتراز از دروغ و تهمت و اهانت، احترام به آزادی دیگران و ... در فقه اسلام متضمن عالیترین احکام و دستورات است.

آیات فراوان قرآنی و احادیث نبوی بر پذیرش آزادی عقیده در اندیشه‌های سیاسی اسلامی دلالت تام و تمام دارد. اسلام در عین حال که برای ایمان آوردن انسان‌ها اهمیت قائل است و سعادت دنیوی و اخروی آنان را منوط به پذیرش این دین می‌داند، برای پذیرش یا رد آن، کسی را الزام و اجبار نمی‌کند؛ و اگر کسی عقیده‌ای را پذیرفت، او را به دست کشیدن از عقیده خود مجبور نکرده، یا تحت تعقیب و آزار قرار نمی‌دهد (فرزانه پور و بخشایی زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

یکی از اوصاف بارز و عالی بشری فکر و اندیشه است که با فعل و انفعال دائم در درون انسان، به وی حیات معنوی می‌بخشد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۲۰) و از راه گفتار، نوشتار، رفتار و ... به منصف ظهور و بروز می‌رسد. پس آزاد اندیشی یکی از اجزای مهم آزادی است که به همراه خود آزادی بیان و اظهار آزادانه افکار و عقاید را با قیودی به همراه دارد. در حقیقت آزادی عقیده و بیان لازم و ملزوم یکدیگر بوده و جزء حقوق سلب ناشدنی انسانی است که از یکدیگر تفکیک ناپذیرند.

اهمیت این قسم از حقوق بشر آنجاست است که؛ رواداری و تحمل افکار و عقاید و خواسته‌های دیگران مهمترین مسئله‌ای است که به عنوان یکی از اولین اصول دموکراسی و خردمندانه ترین روش برای ادامه حیات در یک جامعه متنوع به لحاظ افکار و عقاید به حساب می‌آید و پذیرش این امر که دیگران نیز دارای آزادی در داشتن یک عقیده و طرز تفکر هستند منجر به احترام به عقاید دیگران و پیدایی چندگانگی و تنوع افکار می‌شود (حسینی، ۱۳۹۶: ۸۹). در اسلام نیز آزادی بیان برای انسان به عنوان حقوق طبیعی و فطری او به رسمیت شناخته شده است، در همین راستا روایات فراوانی در ضرورت نقد، انتقاد و بیان حقایق در مجموعه تعالیم اسلامی موجود است که تنها با فرض امکان آزادی اندیشه و



بیان، معنا و مفهوم خواهد داشت. افزون بر این، مواردی همچون مسئولیت همگانی آحاد مسلمانان در قبال یکدیگر، ادله امر به معروف و نهی از منکر، آیات نهی از کتمان حق و مکانیسم شورا و مشورت همگی در شرایطی امکان تحقق دارند که زمینه اجرایی آنها، با وجود آزادی بیان در جامعه اسلامی، فراهم می‌گردد (فرزانه‌پور و بخشایی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۷۰).

در کنار تاسیس‌های مورد نظر شریعت اسلام که آزادی بیان، (زمینه‌های) اجرایی شدن آنها را فراهم می‌نماید محدودیت‌هایی نیز در زمینه آزادی بیان وجود دارد^۱. به طوری که در تمامی جوامع بشری محدودیت‌هایی را بر آزادی بیان وضع می‌کنند و دلیل این امر این است که اعمال بیان همواره عملاً در رقابت با ارزش‌های دیگر قرار می‌گیرد. بنابراین حق آزادی اندیشه و بیان، جزء آزادی‌های مقید بوده و قید همه اشکال بیان نیز، مبانی اسلام و حقوق عمومی است و قید و بند آن نیز به منظور جلوگیری از نقض سایر ارزش‌های مورد حمایت در جامعه است که محدوده آن را قانون معین می‌نماید^۲. یکی از جلوه‌های این محدودیت در کلام پیامبر بزرگ اسلام در امور غیر خیر تصریح شده است، آن حضرت می‌فرماید: «لیردک عن الناس ما تعرف من نفسک و اخزن لسانک الا من خیر فانک بذالک تغلب الشیطان»: می‌بایست آنچه از خود می‌شناسی تو را از عیب دیگران باز دارد. نیز زبانت را جز از بیان خیر نگه دار. تو به این وسیله بر شیطان غلبه می‌یابی (غضنفری، ۱۳۸۶: ۴۵۱ و پاینده، ۱۳۸۶: ۶۵۶). در مقابل و در لزوم بیان حقایق مفید به حال نوع بشر احادیث فراوانی نیز وجود دارد که در این راستا امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَنْ عَلَّمَ خَيْرًا فَلَهُ مِثْلُ أُجْرٍ مَنْ عَمِلَ بِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵) هر کس خیری را تعلیم بدهد، برای اوست پاداش کسی که به آن خیر عمل کرده است. از آن جایی که خدشه‌دار شدن حیثیت دیگران، کرامت آنها را مخدوش می‌نماید، یکی دیگر از محدودیت‌های مورد نظر اسلام است؛ خداوند می‌فرماید: «و لا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضا ایجب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرتهموه» (سوره ۴۹ آیه ۱۲) «... و هرگز از حال درونی هم تجسس نکنید و غیبت یکدیگر را روا مدارید آیا دوست می‌دارید یکی از شما گوشت برادر مرده خود را بخورد البته از آن کراهت و نفرت دارید».

در راستای بهره‌مندی از حق آزادی اندیشه و بیان، اعضای جوامع بشری حق دارند اندیشه، خلاقیت و احساس خود را از طریق آفرینش‌های فکری، ادبی و هنری با رعایت قوانین و حقوق دیگران بیان کنند

* امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ عَيْشُهُ وَ ذَلِيلُهُ لَا يَكُونُ وَ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَغْتَابُهُ وَ لَا يَخْلِفُهُ؛ مومن برادر مومن است و به منزله چشم او و راهنمای اوست؛ هرگز به او خیانت و ستم نمی‌کند، با او غش و تقلب نمی‌کند و هر وعده‌ای که او دهد، سر برخواهد یافت. (مهدوی کنی، ۱۴۲۳: ۴۳۲) * امام کاظم (ع) می‌فرماید: «... وَ سَاعَةَ لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الْبِقَاتِ الْبَيْنِ يُعْرَفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ وَ يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ؛ ... و بخشی از زمان را برای رفت و آمد با برادران دینی و مورد اعتمادی که کاستیها و سستیهای شما را به شما معرفی می‌کنند و در باطن برای شما اخلاص می‌ورزند، ویژه سازید» (اسماعیلی بزدی، بی تا: ۴۷۲).

* رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْمُؤْمِنُ بِرَأْفَةِ الْمُؤْمِنِ؛ مومن آینه مومن است.» (شرقی، ۱۳۶۶: ۸۴)

* امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ الْأَمْرَاءَ وَ الْحَضْرَةَ فَإِنَّهُمَا يُرْضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْإِخْوَانِ وَ يَبْتِثُ عَلَيْهِمَا النِّقَاقَ؛

از بگو مگوهای بی حاصل و دشمنیها بپرهیزید! زیرا این دو مایه بیماری دها و زمینه ساز نفاق در میان مومنان است» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۹۳۹).

۱. نک: سعیدی، رحمان و مهدی‌پور، مهرناز (۱۳۹۲). آزادی بیان در اسلام و اسناد بین‌المللی، علوم خیری، ش ۶، ص ۴۸.

۲. اصل ۲۴ قانون اساسی اشعار می‌دارد: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون

معین می‌کند.



اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر و منتشر کنند و این حقوق مردم نه تنها می‌بایست در چارچوب قوانین توسط دولت تضمین شود بلکه نمایندگان قدرت عمومی نیز حق ندارند بر خلاف قوانین و مقررات برای انتشار یا عدم انتشار درصدد اعمال فشار بر مطبوعات و رسانه‌ها برآیند و اقدام به ممیزی یا کنترل نشریات و ... نمایند.^۱

بنا بر آنچه که ملاحظه شد؛ مهمترین مصداق تامین و تضمین حق آزادی بیان و عقیده در ارتباط با صلاحیت دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی در آزادی بیان و قلم و اظهار نظر مردم در مسائل اجتماعی و غیره می‌بایست مورد توجه قرار گیرد و نباید صرفاً به نام تامین امنیت این حق بشری محدود گردد. به ویژه تضمین آزادی بیان و عقیده افرادی که در مقابل حکمرانان حقوق حقه مردم و بهبود امور را مطالبه و پیگیری می‌نمایند می‌بایست بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و تحدید آزادی‌های مذکور در صورتی که در تقابل با قوانین مربوطه و حقوق دیگران قرار گیرد، امری عقلایی و صواب است. در غیر اینصورت این موضوع مسئله مهمی است که در گلوگاه تقابل حقوق مردم با منافع دولت و مصلحت اندیشی‌های کارگزاران امنیتی در سایه تامین امنیت، ممکن است تضییع و مخدوش گردد.

نتیجه‌گیری

ابعاد فردی و اجتماعی، دو چهره مختلف از حقیقت زندگی انسان است و در ابعاد مذکور، اصل شرافت، حیثیت و کرامت ذاتی انسان را باید ملاک اعمال و اقدامات قرار داد پس حاکمیت و توجه به کرامت انسانی در اقدامات و فعالیت‌های اطلاعاتی کارگزاران اطلاعاتی نیز می‌بایست همواره مطرح نظر قرار گیرد و وثیقه این التفات و توجه، مقام خلیفه الهی انسان است که ره آورد این موضوع، عدم جواز سلب آرامش و امنیت فردی و اجتماعی مردم خواهد بود، چرا که در وضعیت ملهم از روابط آزاد و سلیقه مدارانه کارگزاران، اقدامات سلب کننده امنیت و تضییع حقوق فردی و اجتماعی در سایه حفظ امنیت به وقوع می‌پیوندد.

در مجرای طرح و اهمیت دادن به حقوق اساسی بشری، بر پایه کرامت ذاتی وی، باید اقدامات و فعالیت‌های اطلاعاتی مقید به تعهدات و تکالیفی گردد که آزادی عمل و اقتدار سنتی دستگاه‌های مذکور تحت الشعاع قرار گرفته و بر اساس حکم آیات، روایات و قواعد فقهی، حقوق ذاتی متهمان و مظنونان مورد احترام قرار گیرند تا نگاه هنجاری و دستوری دین در قالب فقه اطلاعات تکوین یابد و انجام مطلوب این موضوع، مرهون تفقه کارگزاران امنیتی در دین بوده که مورد تاکید ائمه اطهار (ع) نیز است. بنابراین در صورتی که زیربنای آموزه‌های حقوق شهروندی در حوزه فعالیت‌های اطلاعاتی، بر اساس آیات، روایات، اصول و قواعد فقهی شکل گیرد، آزادی عمل کارگزاران دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی بر اساس آموزه‌های فقه تحدید می‌گردد و توجه و اهتمام به کرامت ذاتی بشر در نظر آنان به

۱. موارد مذکور در بند ج منشور حقوق شهروندی تحت عنوان حق آزادی اندیشه و بیان مورد توجه قرار گرفته است.



یک باور دینی تبدیل می‌شود که آورده آن تامین و تضمین حقوق بشر است.

با امعان نظر به حاکمیت ولایت مطلقه فقیه در زیرساخت‌های فکری و نظری نظام جمهوری اسلامی و در راستای تحقق فقه به عنوان تئوری اداره فرد و جامعه، لازم است که در دستگاه‌ها و ساختارهای نظام، هنجارها، دستورها، اندیشه‌ها و ره‌نامه فقهی پیاده‌گردد در این راستا فقه اطلاعات یکی از حوزه‌های مبرز معرفت بشری است و ضرورت دارد به عنوان یکی از ابواب فقه یا رشته‌گرایش فقه مورد توجه قرار گیرد و نگرش به حقوق بشر از منظر فقه اطلاعات، به معنای ریشه الهی قائل شدن برای آن است که در این گذار، قرائت دین مدارانه از حقوق، ضمانت اجرای محکمی را برای آن ایجاد می‌نماید؛ با این توضیح که در کنار ضمانت اجراهای دولتی، در نظر گرفتن پاداش و عقاب اخروی برای مراعات‌کنندگان و ناقضان حقوق بشر در عرصه فعالیت‌های اطلاعاتی و حفاظت اطلاعاتی پشتوانه خاصی را از لحاظ ضمانت اجرایی برای حقوق فراهم می‌آورد و این موضوع برای حوزه فقه اطلاعات که مسیر پویایی و بالندگی را می‌پیماید از این منظر ارزشمند است که، ماموران اطلاعاتی و امنیتی با درک صحیح از مبانی فقهی حقوق بشر، به اجرای آن‌ها پایبندتر خواهند بود.

از لحاظ عملکردی، نکته بسیار ظریف و حساسی که در اقدامات و فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی همواره در مجرای توجه و تاکید بر حقوق انسان‌ها می‌بایست مورد توجه مراجع صیانتی و نظارتی قرار گیرد آن است که چنانچه حاصل فعالیت‌های دستگاه‌های اطلاعاتی به علت فقدان کیفیت ادله انتساب جرم به متهمان و مظنونان، به رای براءت یا قرار منع تعقیب منجر شود، قطعاً بی‌توجهی به حقوق و کرامت ذاتی انسانی این قبیل افراد صورت پذیرفته است که لازم است معیار اقدامات و محک ارزیابی مراجع پیش‌گفته قرار گیرد.

نتیجه مهم آن‌که؛ قرائت فقه شیعی از حقوق بشر، قرائتی است که پشتوانه آن را مقام خلافت الهی انسان پایه‌ریزی می‌نماید و چنانچه نگاه مصلحت‌جویانه بی‌اساس مبنای اندیشه و اقدام کارگزاران قرارگیرد، قطعاً موجبی برای تضییع مقام مذکور قرار خواهد گرفت. برای احتراز از این موضوع، قانون و قانون‌مداری کارگزاران می‌تواند عهده‌دار تنظیم روابط حکومت شده و توجه و احترام به کرامت ذاتی بشر را جایگزین مصلحت‌جویی‌های ناصواب نماید. در این صورت حساسیت و گرایش فکری ماموران اطلاعاتی و امنیتی به حقوق و آزادی‌های اساسی آحاد انسانی متمایل می‌شود و با الهام از اندیشه و رویکردهای بشر دوستانه فقهی، اقدامات تحدید و تضییع‌کننده حقوق انسان‌ها در منظر آنان ضد ارزش تلقی می‌شود و احترام به اصل شرافت، حیثیت و کرامت ذاتی انسان‌ها همواره ملاک اعمال و اقدامات اطلاعاتی و امنیتی آنان قرار گرفته که ره‌آورد آن تضمین حقوق بشر می‌باشد.





منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- خمینی، روح الله، (۱۳۶۸). صحیفه امام، ج ۲۱، ناشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۳). مطالعات فقهی امنیت، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، ش ۳۴.
- شمس اللهی، نصرت الله (۱۳۹۲)، فقه حفاظتی، ج ۱، تهران: معاونت علمی و فناوری دفتر سیاستگذاری و نظارت راهبردی حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح.
- محمد بن مکی (۱۴۱۹). ذکرى الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
- صدری، سید محمد (۱۳۸۲). مبادئ فقه، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شریعت مدار جزایری، سید نورالدین (۱۳۷۹). امنیت در فقه سیاسی شیعه، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ش ۹، صص ۳-۲۴.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران: نشر میزان.
- غضنفری، علی (۱۳۸۶). نهج الفصاحه، قم: ناشر عصر غیبت.
- ابن حیون، نعمان، (بی تا). دعائم الاسلام، ج ۱، قم: موسسه آل البيت (ع).
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (بی تا). بحارالانوار، ج ۱، بیروت: ناشر داراحیاء التراث العربی.
- والش، پاتریک اف (۱۳۹۴). اطلاعات و بخش خصوصی، ترجمه: معاونت پژوهش و تولید علم، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- اکبری، مهدی، (۱۳۹۵). رابطه احکام فقه اطلاعاتی با مصالح عامه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان: روندها، موردها و واکنش ها، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۸۵). حقوق جهانی بشر، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- این حیون، محمد بن نعمان (بی تا). دعائم الاسلام، ج ۲، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹ پ). میزان الحکمه، ج ۳، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). مقدمه علم حقوق، تهران: ناشر شرکت سهامی انتشار.



- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۸۰). **حقوق بشر (نظریه‌ها و رویه‌ها)**، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۸۱). **روضه الواعظین**، قم: ج ۲، ناشر دلیل ما.
- صداقت، قاسم‌علی (۱۳۸۹). **ویژگی های فقه اهل بیت (ع) و نقش آن در حمایت از حقوق شهروندی، معرفت**، ش ۱۵۴.
- قربانی، علی و موحدی، جعفر (۱۳۹۱). **ماهیت براءت در فقه و حقوق، مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۷۶، ش ۸۰.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). **النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی**، بیروت: دارالکتب العربی.
- حسینی روحانی، محمد صادق (بی‌تا). **فقه الصادق (ع) (طبع قدیم)**، ج ۲۵، قم: ناشر: مولف.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا). **وسائل الشیعه**، ج ۲۹، قم: موسسه آل بیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- میرزایی، علی اکبر (۱۳۸۵). **فتح الفصاحه**، اصفهان: انتشارات عصر جوان.
- مجلسی، محمد باقر (بی‌تا). **بحارالانوار**، ج ۷۲، بیروت: دار الحیا التراث العربی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). **الخصال**، ج ۱، قم: ناشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا). **الکافی**، ج ۳، قم: دارالحدیث.
- براری لاریعی، محمد و قبولی درافشان، سید محمد تقی (۱۳۸۹). **حقوق متهم با رویکرد فقهی، مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، سال ۲، ش ۲.
- محمدبن مکی شهید اول (بیتا). **القواعد و الفوائد فی الفقه و الصول و العربیه**، ج ۲، قم: مکتبه المفید.
- رضوانی، جابر (۱۳۹۲). **قضاوت‌های حضرت علی (ع)**، چاپ هفتم، تهران: انتشارات پیام عدالت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). **الکافی**، ج ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۶۲). **تحف العقول**، ج ۱، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم.
- مصدق، محمد (۱۳۹۳). **آیین دادرسی کیفری**، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- سعیدی، رحمان و مهدی پور، مهرناز (۱۳۹۲). **آزادی بیان در اسلام و اسناد بین المللی، مجله علوم خیری**، ش ۶.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۴۲۳). **البدایه فی الاخلاق العملیه**، ج ۱، لبنان: ناشر دارالهادی.
- اسماعیلی یزدی، عباس (بی‌تا). **ینایع الحکمه** ج ۳، قم: ناشر مسجد مقدس جمکران.





- شرقی، محمد علی (۱۳۶۶). قاموس نَحج البلاغه (شرقی) ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۰۶). الوافی، ج ۵، اصفهان: ناشر مکتبه الامام امیر المومنین علی (ع) العامه.
- فرزانه پور، حسین بخشایی زاده، محمد (۱۳۹۰). تساهل و مدارا در قرآن، نشریه اندیشه نوین دینی، ش ۲۵، صص ۱۶۲-۱۸۴.
- حسینی، جواد (۱۳۹۶). تبارشناسی شکیبایی سیاسی از منظر حقوق بشر معاصر، پژوهش در هنر و علوم انسانی، ش ۴، صص ۷۲-۹۶.
- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲). نَحج الفصاحه، تهران: ناشر دنیای دانش.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). الکافی، ج ۱، تهران: ناشر دارالکتب اسلامیه.



